

متن پرسش

سلام علیکم و رحمه الله: در راستای جریان های اخیر شهر اصفهان و اختلافات پیش آمده، ما دانشجویان بر آن شدیم تا جویای مسئله از مسئولین شهری باشیم. پس از گفت و گوهای بسیار، بیانیه ای در این راستا جمع آوری شد که مشتاق هستیم نظر جنابعالی را در این رابطه جویا شویم و ما را در این راه مساعدت فرمایید. □□ بیانیه جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در خصوص اتفاقات اخیر شهر اصفهان □۱. بخش اول بسم الله الرحمن الرحيم إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ □ در راستای جریان های چند ساله موجود در شهر اصفهان که با اتفاقات چند ماهه اخیر تشدید شد و بیشتر به منصف ظهور رسید بر آن شدیم تا به نوبه خود شناخت بیشتری نسبت به این جریانات و تاثیرات آن در بعد اجرایی مدیریت استانی و شهری پیدا کنیم. پس از گفت و گو با مسئولین و چهره های سیاسی شهر و استان در جریان اتفاقات و مناسباتی قرار گرفتیم که با آموخته هایمان از مکتب امام (ره) فاصله داشت. □ چه خوب است از خود سوال کنیم: آیا متوجه هستیم که چه بار عظیمی بر دوشمان است؟! و دیگر چه فرصتی مهیا تر از این برای خدمت؟! زمین و زمان مهیاست تا شب و روز نشناسیم برای دوا کردن دردی از این مردم و این نظام مقدس! لابد نمی شنویم صدای درد مردم در زیر فشار های اقتصادی را! لابد نمی بینیم انواع و اقسام معضلات فرهنگی فرزندان این سرزمین را! لابد نمی شنویم فرمان های جهاد ولی فقیه را! و لابد نمی بینیم که همه اشرار عالم به صف شده اند تا ما را زمین بزنند و آرمان هایمان را نابود کنند! و وای بر ما اگر این ها را می بینیم و می شنویم ولی باز هم تن می دهیم به اختلاف انگیزی در میان خودمان و مانع تراشی بر سر کار یکدیگر! به راستی ما را چه شده است و چرا آنقدر دنیایمان کوچک شده است که همدیگر را در مقابل هم یافته ایم؟! □ با اینکه تفاوت آرا و نظرات، طبیعت هر زمانی است لکن نباید به این اختلافات شکل مبنایی و عقیدتی بدهیم. مگر همگی ما پیرو شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی نیستیم؟ مگر همگی ما خواستار تمدن اسلامی نیستیم؟ امام خمینی (ره) به خوبی در «منشور برادری» به صراحت به این موضوع پرداخته اند. □ ضروری است با رجوعی دوباره به این پیام تاریخی و تامل جدی و دقیق در آن، راهی جدید و افقی نو در پیشبرد امور کشور بکشاییم. بخش هایی از این پیام را می خوانیم: «... اگر آقایان از این دیدگاه که همه می خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می شود. انتقاد اگر به حق

باشد، موجب هدایت دو جریان می شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرّای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می کند، در برابرش قاطعانه بایستید.» ۲. ادامه - بخش دوم «... اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضعگیریها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می شود و این مسأله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضعگیریها باید به گونه ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه داری غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و کمونیسم و سوسیالیسم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند. □□ ... در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می کند که نظرات اجتهادی- فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نمی باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه ها هم

باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.» جامعه_اسلامی_دانشجویان @jadiut □

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: متوجه نشدم نسبت به این نکات کلی، چه موضوعاتی را مدّ نظر دارید؟ در حالیکه به هر حال به گفته رهبر معظم انقلاب ما کوتاهی‌هایی داشتیم و باید به لطف الهی با روحیه «ما می‌توانیم» از آن مشکلات با روشی حکیمانه و عالمانه عبور کنیم و ان شاءالله ریشه آن مشکلات را بسوزانیم. موفق باشید